

اسلام و سیاست

(بیاد شیخ حسن البناء مؤسس و رهبر جمعیت اخوان المسلمین)
 خوانندگان کم و بیش بغاطر دارند که چند سال قبل از میان توده خاکستر
 دره نیل آتشی نهفته و شعله ای برافروخت که فضای اجتمع کشور مصر را روشن
 ساخت. باین بیان که مردی بنام حسن البناء با قلبی مملو از ایمان و روحی لبریز
 از عشق و هلاقه باصلاح جامعه مسلمین قیام کرد و برای نجات مردم ستمدیده و رنج
 کشیده مصر در برابر نیروی اهریمنی استعمار و در مقابل مظالم اشرافی دربار فاسد
 و مفسد فاروق، جمعیتی را بر اساس برنامه ای روشن بنام « اخوان المسلمین »
 بوجود آورد. هدف این جمعیت در ظرف سه سال بیک میلیون رسید و در جنگ فلسطین
 جوانان بیور این جمعیت هنرنمایی ها کردند و دوران صمیمیت و فیرت و فداکاری
 مردان صدر اسلام را بجهانیان نشان دادند و ثابت کردند مسلمین میتوانند از منبع
 نیروی لایزال تعلیمات اسلامی در هر عصر و زمانی بهره مند گردند ولی سازمان
 فاسد ملتی که منشأ فساد آن همانا فساد و خیانت های دربار فاروق بود، با
 همکاری دستگاه استعمار همه گونه کارشکنی در راه پیشرفت مرام و منویات مقدس
 این جمعیت نمودند، و چون کارشکنی ها مؤثر افتاد، باخرالدوا دست برده و این
 مرد بزرگوار را روز روشن در یکی از خیابانهای قاهره ترور کردند و خون پاک
 او را ریختند.

هر چند با وقوع این ضایعه بزرگ شکستی عظیم جمعیت وارد آمد و تاحدی
 سازمان اخوان المسلمین متزلزل شد ممالک با اینکه تمام نیروی استعمار و قوای
 دربار فاسد فاروق برای نابود ساختن جمعیت مجهز شده بود، بنظورشان کامیاب
 نشده و شرح این داستان فجعیح مقاله جداگانه لازم دارد.

بهر سال در این مقاله نظر این مرد بزرگ یا آخرین شهید نامدار آزادی
 اسلام و مسلمین را که از مجله اسلامیک ری و پو تلخیص و ترجمه میشود عرض

گنج شایگان ————— اسلام و سیاست

خوانندگان محترم میرسد و از خدای متعال مسئلت میکنم ما و مخصوصاً جوانان
غیور اسلامی ایران آن حمیت و ایرو را بدهند که در راه وصول به هدف مقدس
فقید سعید بکوشیم .

اینک مفاد و خلاصه نظر مرحوم شیخ حسن البنا در باره اسلام و سیاست :-
فقید سعید میگوید :

دژ اسلام بر چهار پایه استوار است . باین بیان -

رسالت اسلام را بصورت دژ عظیم و وسیعی در نظر تان مجسم سازید که بر
چهار پایه استوار گردیده است و محصور در دو دیوار یا دو حصار بزرگ است
و این دو دیوار یا دو حصار ، آنرا از دستبرد و تعرض حفاظت و حمایت میکند .

(۱) ایمان خالص و بی شائبه ، بخدا

اولین پایه ای که این بنای عظیم بر آن استوار میشود ، ایمان خالص و
بی شائبه بعد از جهان آئیده است و اعتقاد باینکه این جهان با همه عجایب و غرائب
آن آفریده او است و جهانی است که هر کس با روح پاک و وجدان بی آرایش
بدان بنگرد ، و هر کس با نظری دقیق و چشمی کنجنگاو بزمین و آسمان نظر اندازد ،
میتواند از کشف رموز و اسرار و خصوصیات آن برخوردار شود .

(۲) فداکاری در راه خدا .

دومین پایه این ساختمان بزرگ ، خدمت صادقانه و فداکاری در راه خدا
است و لازمه آن صداقت ، خضوع و ترس از خدا است باین معنی که آنچه را خدا
امر کرده است انجام دهیم و از آنچه نهی کرده است احتراز کنیم و معتقد باشیم که
آنچه را او به بندگانش امر کرده است بصره و صلاح خودشان است و آنچه را نهی
کرده است ، از تکاب آن موجب ضرر و زیان خودشان است و این همان معنای
است که آیه ۵ از سوره ۹۸ قرآن مجید ناظر و ناطق بآن است که میگوید :

وما امر و الا لیعبدا لله مخلصین له الدین ، حنفاء و یقیموا

الصلوة و یؤتوا الزکوة و ذلك دین الیمه

(یعنی و ما امر نشده مگر اینکه با کمال خلوص عقیدت و بدون شائبه خدای
را عبادت کنند که دین از آن اوست و نماز بگذارند و زکوة بدهند و این است
دین صحیح)

(۳) اتحاد کامل و استقامت .

سومین پایه ای که دژ اسلام روی آن قرار گرفته است عبارتست از اتحاد
و استقامت ، باین معنی که تمام مسلمین از نظر دینی ، یک ملت و یک امت شناخته

تجربیات شایگان ————— اسلام و سیاست

میشوند و بوسیله رابطه برادری دینی و اتحاد در مقصد و هدف و ایده آل (کمال مطلوب) بیکدیگر پیوسته شده اند . هنگام نیاز همه بیک تعلقه روی می آورند و آن کعبه است . همه دارای یک مقصود هستند و مجتماً می کوشند تا در انجام آن موفق شوند .

این اصل اخوت یا برادری ایمانی یکی از دکترین (فلسفه) های اصلی اسلام است . قرآن مجید اغلب موضوع اتحاد و استقامت را مظهر دین و ایمان می شناسد و اختلاف و انشقاق را با ارتداد یکسان میداند .

ارتباط بین دین و برادری در میان مسلمین ضمن یکی از آیات قرآن کریم (آیه ۱۰ ، السوره ۴۹) باین شرح بیان شده است که :

انما المؤمنون اخوه فاصبروا هبنا انکم و اتقوا الله لعلکم

ترحمون .

(یعنی هر آینه مومنین برادرند پس شما میان برادرانان اصلاح کنید و از خدا بپرهیزید شاید مورد رحمت واقع گردید)
و نیز ضمن آیه ۶۶ از سوره ۸ مومنین را در زمینه نتایج حاصله از اختلاف و انشقاق بدینصورت بر حدر میگرداند که :

و اطیعوا الله و رسوله و لاتنازعوا ففتنوا و تذهب ریحکم

و اصبروا ان الله مع الصابرين

(یعنی خدا و رسول را اطاعت کنید و با یکدیگر منازعه کنید که ناتوان می شوید و نیروی شما از بین میرود ، و پایداری نکنید ، هر آینه خدا با صابرين است)

و نیز خدای متعال برای وادار کردن مؤمنین در حفظ و حراست رابطه برادری ایمانی و قدردانی از این نعمت در آیه ۱۰۲ از سوره ۳ قرآن مجید چنین توضیح میدهد که :

واذکروا نعمه الله علیکم ، اذکنتم اعداء فالیق بین قلوبکم فاصبرحتم

منعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفره من النار فانذکم منها کذالک

یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون

(یعنی الانست خدا بر خودتان یاد آورید ، هنگامی که دشمن یکدیگر بودید و از آن پس خدا میان دلهای شما الفت داد و به نعمت او برادر شدید و بر کناره آتش بودید و خدا شما را از آن نجات داد ، بدینگونه خدا آتش را برای شما بیان میکند شاید بآیات او رهبری شوید .)

این نکته ناگفته نماند که دین اسلام در عین حالیکه مسلمین را بفظ رابطه برادری و استقامت در بیان و اتحاد دعوت میکند ، معنی آن این نیست که از آزادی

فنج شایمان ————— اسلام و سیاست

فکر جلوگیری کند و حق استقلال و آزادی عقیده را از پیروان خودش سلب نماید ویر معنی این اقدام آن نیست که افکار ارتجاعی بر پیروانش تحمیل کند و آنها را باطاعت کورکورانه وادار کند و با اینکه حق قضاوت آزاد در مطالب را از آنها گرفته باشد بلکه بالعکس حریمت اسلام اذهان و افکار مسلمین را از قید و بند اصول ارتجاعی آزاد کرده است ، زیرا تمقل و تفکر ، تعلیم و تعلم و استقلال و استدلال عقلی در مکتب اسلام محترم شناخته شده است .

از نظر اسلام قدر و منزلت هر فردی بسته به میزان عقل او است و هر فردی حق دارد عقیده و فکرش را آزادانه در اجتماع اعلام کند و با اصول صحیح و معقول فکری پای بند باشد .

شرح اسلام ، امر بعروف و نهی از منکر را یکی از مبانی اصلی و عمده این کیش قراردادده است و این امر را بحکم و جوب و وظیفه هر فرد مسلمانی دانسته است که بنام خدا و در راه خدا و بنام پیغمبر و اولیاء دین و بنام کشور و جامعه اسلامی بطور عموم بهمکیشان نصیحت کند و مشورت دهد . مشورت صحیح دادن و نصیحت کردن در جامعه اسلام بقدری اهمیت و ارزش دارد که در احادیث می خوانیم که رسول اکرم فرمود : «الدين النصيحة» یعنی دین عبادتست از نصیحت دادن .

از این گذشته شرح اسلام قضاوت مستقل و سعی در استنباط احکام دین را که اجتهاد نامیده میشود تشویق و ترویج میکند و در نتیجه میگوید : اگر مجتهدی در استنباط احکام اشتباه کرد و بعبادت دیگر مضطرب شد باز هم از حصول پاداش اخروی معزوم نیست ولی کسانی که در استنباط احکام راه صحیح بروند و از مطالعه و بحث به نتیجه صحیح برسند و بعبادت دیگر بیعیب باشند دو اجر خواهند داشت .

معنی این عمل این است که پیروان اسلام باید تمقل و تفکر و تحقیق را تا آخرین مرحله امکان مورد استفاده قرار دهند .

تا هر جا بتوانند جلو بروند . هر فردی حق دارد هر نوع فکری نظری را که می پسندد اعلام کند و فکر و نظر خودش را بر کسانی که دارای مقام علمی هستند یا مسئول امور اجتماعند عرضه دارد . حاکم یا مسئول امور اجتماع بر حسب حکم شرع باید موضوع را دقیقاً تحت مطالعه قرار دهد . و آنچه را بصرفه و صلاح مردم باشد اجراء کند . آنگاه حاکم یا مسئول امور اجتماع در قبال تصمیمی که میگیرد مسئول نتایج عمل و اقدام خودش خواهد بود ، باین معنی که اگر اقدام در باره آن عمل به نتیجه صحیح رسید فهوالمطلوب والا خودش مسئول نتیجه نا مطلوب آن خواهد بود و باید در مقابل هیئتی که ذمامدار امورند و همچنین در مقابل جامعه و اجتماع معاکمه شود و جوابگویی کند .

گنج شایگان ————— اسلام و سیاست

نکته دیگری که در جامعه اسلامی مورد عنایت است این است که وجود دستجات مخالف دوزندگی سیاسی اسلام تاکید میشود باین بیان که هر چند در جامعه اسلامی از هر حیث وحدت واتحاد کامل توصیه و تاکید شده است مملکت این توصیه و تاکید ها که جامعه اسلامی باید نمونه اصلی و حقیقی اتحاد کامل باشد مانع از آن است که که اشخاصی بر اساس صداقت و تقوی اگر در جریانی نظر مخالف داشته باشند آنرا آزادانه و با کمال صراحت اعلام کنند زیرا این عمل راه تحقیق را باز میکند و این خود خدمتی بحق و حقیقت است .

در شرعاً ای که ملت بدو دسته متضاد یا بیشتر تقسیم شود ، و هر دسته ای بکوشد تا زمام حکومت را بدست آورد و دسته دیگر یا دستجات دیگر را از هم کاری باز دارد و یکدسته زمین سمی کند بیهانه اینکه عهده دار اختلافات است موجودیت دیگران را ندیده بینگارد یا اینکه اصولاً علنی نداشته باشد و آنرا وسیله پیشرفت مقاصد سیاسی خودش قرار دهد چنین عمل و اقدامی با فلسفه اتحادی که اسلام آورده است و برای مسلمانان آنرا مفید میداند از هر حیث مخالف و مغایر است زیرا در این باره قرآن مجید صریحاً در آیه ۵۲ از سوره ۲۳ میگوید :

وان هده امتکم امه واحده وانا انکم فائقون

(یعنی و هر آینه این ملت شما يك ملت است و منم خدای شما پس وظائف

خودتان را در مقابل من انجام دهید)

(۴) شریعت اسلام نمونه ای است از طرز عبادت و آئین برادری

چهارمین پایه ای که بنای اسلام روی آن استوار گردیده ، شریعت است و شریعت یعنی مجموعه حقوق و نظامات و مقررات که از منبع تعلیمات اسلامی گرفته است ، برای مزید توضیح میگوئیم .

اسلام علاوه بر اینکه دینی است ، يك نوع عبادتی است که خدای متعال بدان وسیله باید برستش بشود ، و نمونه است از آئین برادری ، با اینحال دارای مجموعه از قوانین عملی و نظامات زندگی است .

اسلام بشخصیت فرد از نظر عمل می نگرد و باین نکته توجه دارد که در هر جامعه واجتماعی افرادی پیدا میشوند که صرفاً با تبلیغ و ارشاد و وصیعت و موعظت راهبری میشوند بلکه در مقابل تغلفاتی که میکنند باید مجازات شوند ، با اینجهت در شرع اسلام وسایل مخصوصی برای مبارزه با گناه و تغلف و برای جلوگیری از صلیات زیان آور و حمایت از دارائی و حیات و شرف مردم در نظر گرفته شده است و مؤمنین جداً وظیفه دارند که بحقوق و شرف و حیثیت مردم تعدی و تجاوز نکنند .

گنج شایگان ————— اسلام و سیاست

رسول اکرم فرموده است « تعرض بظنون و به شرف و آبروی مسلمان بر مسلمان حرام است »

خدای متعال که قانون گذار اصلی اسلام است، عوامل دینی و اجتماعی که احیاناً ناشی از بکار بردن قوانین شرعی است هنایت داد و بهین جهت مجازات مخصوصی را که برای نقض مقررات اسلامی تعیین فرموده است بدو و برای همیشه باین منظور تعیین فرموده است که صرفاً تنبیهی بعمل آید یا اتفاقی از متخلف یا متجاوز گرفته شود بلکه مقصود از تنبیه تنبه است و باین منظور اعمال میشود که اثر اخلاقی بر آن مترتب باشد و باعث عبرت دیگران گردد و بهبهارت دیگر حفظ مصالح فرد و اجتماع را رهین سزا و جزا دانسته است .

شریعت اسلام بعث مجازات مربوط بمعاصی و سایر انحرافات و تغلفات اجتماعی را که در اشخاص متفاوت استعداد و اوضاع و احوال و امکانه و ازمنه صورت میگیرد سرسری نینگاهته است بلکه سزای هر تغلفی را با تطبیق بر اصول مقررات و نظامات و با توجه بامکنه و ازمنه مختلف و شرایط خاصی مقرر داشته است .

عمر بن عبدالعزیز گفته است : مصائب و ابتلائات مادی مردم متناسب بسا ظلم و تعدی آنها است .

از بیان این نکته نباید خودداری کرد که :

از محسنات و مزایای شرع اسلام بطوریکه شاید و بساید هنوز قدرهائی نشده است و از امتیازات شرع اسلام این است که عدالت را مقرون با رحم مقرر کرده است و هرگاه کسی را بخواهیم بر اثر ارتکاب بمعصیتی سزا دهیم این عمل مستلزم ثبوت انحراف و اثبات بمعصیت او است مزوج بسا حق رأفت و ترحم . بهین جهت رسول اکرم فرموده است :

« ادرؤ الحدود بالشبهات » یعنی اجرای حدود و انجام مجازات را با قید شبهه و شك تلقی کنید و همین شك و شبهه است که موجب تأخیر در اجرای حدود میشود . در این زمینه برای روشن شدن مطلب باید گفت :

در موضوع اجرای حدود مجازات متخلف باید از عوامل شك و شبهه و تردید استفاده کرد و یا بلازمه در باره اثبات تخلف دقت فوق العاده باید بکار برد و حتی اگر پس از ثبوت جرم از طرف متهم در محضر قاضی القاء شبهه شود ، قاضی باید بآن شبهه توجه کند ، و چه بسا که همان شبهه بدین طریق مسلاحظه میشود که عنوان قضا در اسلام بعداعلای کمال رسیده و جامع محسنات است لیکن در نتیجه تبلیغات صومی که درباره مجازاتهای اسلامی شده و بر اثر عدم دقت و مواظبتی که در طریق اجرای آن بعمل آمده است مردم از تشخیص محسنات و کمال حدود اسلامی

گنج شایگان ————— اسلام و سیاست

بازمانده و نتوانسته اند خصوصیات و مزایای آنرا دریابند و معنای صحیح آنرا درک کنند و بدین طریق بدست کسانی که از تعلیمات دقیق اسلامی بهره‌ای نداشته‌اند و مسائل و نکات دقیق آنرا نپیداکنند باین دستگاه صدمه وارد آمده و مخالفین از این بی‌توجهی مسلمین سوءاستفاده کرده‌اند ولی روزی میرسد که این پرده‌ها و موانع برداشته میشود و مردم بغزائنی که از نظرشان مستور بوده‌است با آن غفلت داشته‌اند آگاهی خواهند یافت .

تا اینجا در زمینه چهارمستون بسا پایه‌ای که بنسای دل اسلام بر آن استوار گردیده است باجمال سخن رانندیم اینکه دربارهٔ دو حصاریکه در صدر این مقاله بآن اشاره شد صحبت میکنیم و میگوئیم دو حصار عبارتست از حکومت و ارتش .

دستگاه حکومت

حکومت بمنزلهٔ سدی است که بر دور مجتمع اسلامی کشیده شده است و ادارهٔ امور حکومت جزئی از اسلام است . تعلیمات اسلامی هستهٔ تأسیس حکومت نظر دارد و هیچوقت اجازهٔ هرج و مرج و بخران و تشنج را نمیدهد . از رسول اکرم در این موضوع حدیثی وارد شده است باین مضمون که فرمود :

اگر وارد شهری شدید که در آن سلطانی (۱) نباشد بهتر است از آن شهر هجرت کنید زیرا سلطان سایهٔ خدا است بر زمین .

اسلام دستور میدهد که تعلیمات اسلامی و عامهٔ مسلمین بمنزلهٔ امانتی هستند که باید در محفظهٔ قدرت کشوری محفوظ بمانند و مسئولین انتظام و انضباط امور ، پاسبانان و پاسدارانی هستند که برای حفاظت و صیانت این ودیعهٔ دو مقابل خدا و مردم یعنی اتباع خودشان مسئولیت دارند .

اسلام برای پاسداری و پاسبانی تعلیمات مقدسه و اجرای حدود و مقررات

(۱) مقصود از کلمهٔ سلطان که لفظ مسمودی است حکومت و دستگاه اداری منظمی است برای رسیدگی کارهای مردم و جلوگیری از هرج و مرج نه اینکه بر شخص معینی اطلاق شود و این کلمه بعدها بمعنی ملک یا شاه استعمال شده است و برخلاف اصل بر فرد معین و معلومی اطلاق گردیده است که روح اسلامی از آن بیزار است . و هرگاه بموجب قرآنی اطلاق این لفظ بر فرد معینی جایز باشد او کسی خواهد بود که حارس و پاسبان دستگاه تعلیمات اسلامی و خدمتگزار معین و نگهدار امانت خدا باشد و لاغیر و این فضیلت را کسی احراز خواهد کرد که در اجرای اوامر قرآن هاستگی بیشتری از خود نشان دهد و الا قدرت و سلطنتی که در این راه مصرف شود قدرت و سلطنت شیطان است نه سلطنت رحمانی (مترجم)

فنیج شایگان ————— اسلام و سیاست

کسانی را از میان ملت برگزیده است که مراقب جریانات و فعالیت های کشور اسلامی باشند و مسئولین امور را هدایت کنند و مشورت دهند و امر بحضرت کنند و نبی از منکره اسلام با کمال وضوح و صراحت حقوق و حدود و هرایط و تمهیدات و وظائفی را تعیین نموده است که دستگاه حکومت ناگزیر از امضاء و اجرای آن میباشد و نیز رابطه بین حاکم و رعیت را بطرز بسیار مطلوبی دستور داده است . در این محیط جز دستگاه حکومت اسلامی هیچ نوع حکومت عرفی رسمیت ندارد .

در محیط اسلامی حکومت مسئول حفظ و حراست تعلیمات اسلامی و هدایت مسلمین با اجرای تکالیف و وظائفی است که خیر و سعادت این جهان و آن جهان را دربر دارد . اسلام از آن نوع حکومت هایی که پس از طلوع مسیحیت در اروپا بوجود آمده و موجب تصادم و اصطکاک شدید نیروی دولت و دستگاه کلیسیا گردیده بیزار است و چنان حکومتی را که حکومت عرفی است و در عین حال عهده دار امور روحانی مردم نیز است برمیست نیشناسد .

(۲) ارتش

دومین حصارى که بر اطراف دژ اسلام کشیده شده است ارتش است . ارتش برای حفاظت و حراست حکومت است و شکافی را که بین خارج و منطقه دفاعی کشور موجود است پر میکند و بعبارت دیگر حافظ استقلال ملت و دافع حملات دشمن است .

در اسلام ارتش وسیله هجوم و تعرض نیست بلکه وظیفه عمده ارتش عبارتست از دفاع از شرف و افتخارات قرآن کریم بدلیل اینکه خدای کریم در آیه ۳۹ از سوره ۲۲ در قرآن مجید فرموده است .

أذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير
(یعنی بکسانی که . ظلوم واقع میشوند اجازه داده شد (که بجنگند) و خدا بر نصرت آنان تواناست)

از اینکه بگذریم جنگ در راه خدا که آنرا جهاد مینامیم یکی از ارکان مهم اسلام است ، اگر نگوییم مهمترین رکن هاست .

بنابراین بر هر مسلمانی واجب است از اولین روزیکه حلاوت تعلیمات اسلامی درکام او مزه میکند برای جهاد در راه خدا مهیا باشد که خدای متعال در آیه ۱۱۱ از سوره ۹ فرموده است .

ان الله اتری من المومنین انفسهم و اموالهم باذ لهم الجنة
یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون الخ

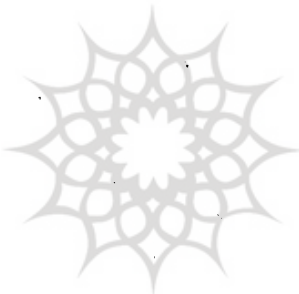
گنج شایمان ————— اسلام و سیاست

(یعنی خدا جان و مال مسلمین را از آنها خریده است زیرا بهشت را) در
موض (بآنان داده است . کشتار میکنند در راه خدا ، بس میکشند و گشته
می شوند)

و نیز در این باره از رسول اکرم حدیثی روایت شده است که فرمود : هر
کسی بدون جهاد در راه خدا بابدون آرزوی جهاد بپیرد مانند آنست که دودوران
جاهلیت مرده است .

آری کسانی که علیه اسلام و مسلمین الفسه طرح میکنند همه این تملیحات عالیه
را شناخته و دانسته اند و چه بسا که بر اثر مطالعه دقیق و بهت و تحقیق ، در حقیقت
معنی و مفاد آنرا واضعتر و بهتر از خود مسلمین ، در طول ایام تاریخ تاریخ شان
دک کرده باشند .

بهر حال دشمنان اسلام بطور استمرار و بدون انقطاع در جبهه مادی به
مسلمین حمله ور شدند تا اینکه نیروی نظامی اسلام را درهم شکستند و بدین طریق اولین
حصار اسلام بدست آنان فروریخت . آنگاه بداخل دستگاه حکومت اسلامی رخنه کرده اند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی